

رئیس هیئت مدیره انجمن دفاع از قربانیان تروریسم در خاورمیانه:

[منافقین از شکنجه هموطنان خود لذت می‌برند/ لزوم عزم جزم جهانی برای محاکمه سرکردگان گروه‌های تروریستی](#)

رئیس هیئت مدیره انجمن دفاع از قربانیان تروریسم در خاورمیانه گفت: در شکنجه اسرای ایرانی، اعضای گروهک تروریستی منافقین حضور داشتند و این افراد از شکنجه هموطنان خود به شدت لذت می‌برند و احساس رضایت و خوشحالی می‌کردند.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی "بسیج پیشکسوتان جهاد و شهادت" محمدباقر علی‌بی در گفتگوی تفصیلی با [پایگاه خبرنگاران](#) به ارائه توضیحاتی پیرامون جنایات گروهک تروریستی منافقین در زمان هشت سال جنگ تحمیلی و پس از آن پرداخت که متن این گفتگو در ذیل آمده است.

*ابتدا بفرمایید که چگونه به اسارت نیروهای عراقی درآمدید و چندسال اسیر حزب بعث بودید؟

در عملیات رمضان، اوایل سال 1361 در جنوب کشور پس از اصابت گلوله کالیبر 50 به پای راستم زمین گیر شدم و توسط نیروهای بعثی به اسارت درآمدم و بیش از 8 سال این اسارت طول کشید.

*در زمان اسارت نحوه جذب نیرو توسط گروهک تروریستی منافقین چگونه بود؟

چگونگی جذب نیرو از میان اسرا توسط گروهک تروریستی منافقین به صورتی بود که پس از اینکه منافقین با تمام وقاحت سرسپردگی دیکتاتور سابق عراق را بدون چون و چرا قبول کردند، فعالیت آنها در جذب نیرو شروع شد که اوج این اقدامات پس از قبولی قطعنامه 548 سازمان ملل توسط جمهوری اسلامی ایران بود.

لازم به توضیح است برای زمینه‌سازی این جذب نیرو، حدود 40 روز صبحانه قطع و غذای روزانه به شدت کاهش یافت، رفتار نیروهای حزب بعث هم با اسرا بدتر شد و در این زمان بود که مهدی ابرشیم‌چی و تعدادی از افراد گروهک تروریستی منافقین در اردوگاه‌های بغداد (مانند رمادی، بین القفسین و ...) حضور و شروع به تبلیغات دروغین کردند، از جمله اینکه می‌گفتند شما اگر به ما ملحق شوید سه راه برای شما وجود دارد؛ یکی اینکه اگر دلتان خواست پیش ما می‌مانید که در این صورت هرگونه حمایتی را دریافت می‌کنید.

دوم اینکه جهت تحصیل به هر کشوری که بخواهید فرستاده می‌شوید و در نهایت به هر جا و به هر طریقی که خودتان بخواهید منتقل می‌شوید که پس از این تبلیغات اردوگاه‌ها با شعارهای مرگ بر رجوی مرگ بر اسرائیل مرگ بر آمریکا و انگلیس به هم خورد که البته پس از مدتی از هر اردوگاه چند نفری به این گروهک تروریستی پیوستند.

تعدادی از آنها بلافاصله متوجه نیرنگ سرکردگان این گروهک تروریستی شدند و به اردوگاه برگشتند اما ما بقی علی‌رغم تمایل نتوانستند به اردوگاه برگردند و تعدادی از آنها با تلاش جمهوری اسلامی ایران به میهن بازگشتند چراکه این افراد به سرعت به ماهیت تروریستی و خطرناک این تشکیلات پی برده بودند و برای خود من نیز بسیاری از این موارد را تعریف کردند.

*آیا با خود شما نیز در مورد این مسئله صحبت شد؟

با خود من صحبتی نشد، آنها سراغ افرادی که سن کمتر و به نظر تحمل شکنجه‌ها را نداشتند، می‌رفتند و فعالیت خود را علنی نمی‌کردند.

*شکنجه اسرای ایرانی در عراق به چه صورت بود و آیا خود شما نیز مورد شکنجه قرار گرفتید؟

شکنجه گاهی انفرادی و گاهی دسته جمعی بود، هم شکنجه‌های روحی و هم شکنجه‌های جسمی وجود داشت، مثلاً در اول آذر 1361 درب کلیه اتاق‌ها در اردوگاه موصل 2 را بستند و تا 8 آذر 1361 درها را باز نکردند و از آب و غذا خبری نبود.

دستشویی و توالت در اتاق‌ها موجود نبود، وضعیت بسیار اسفباری داشتیم، مقدار آب کمی هم که در اتاق در ظرفی قرار داشت آن هم به جایی رسید که در دو سه روز اول با فاشق تقسیم می‌شد و در روزهای بعد فقط برای چند نفر از افراد که هوشیاری خود را از دست داده بودند و قادر به حرکت، حرف زدن و حتی نگاه کردن نبودند کفایت می‌کرد.

بعد از روز پنجم هیچ چیزی باقی نمانده بود و تعدادی از بچه‌ها قطرات عرق پشت شیشه‌ها که از دمای بدن افراد جمع شده بود را به زبان می‌کشیدند آن هم دور از چشم بقیه که احساس شرمندگی نکنند البته بعد از 8 روز که بچه‌ها در حال از دست رفتن بودند یکی از آنها پنجره‌ها را شکست و بدین وسیله درب‌های به محوطه اردوگاه باز شد.

در طول سال‌های اسارات شاهد بودم که افراد شاخص بیشتر مورد شکنجه قرار می‌گرفتند، خود من نیز چندین بار در سلول انفرادی شکنجه شدم به طریقی که پای مجروحم برای چندمین بار شکسته شد و روز به روز کوتاهتر می‌شد.

رژیم یعنی برای شکنجه از کابل، شیلنگ، مشت و لگد با پوتین، آویزان کردن، قرار دادن اسرا بدون لباس در سرما و قرار دادن در فضای بسته و بدون هوا در فصول گرم استفاده می‌کردند.

* آیا اعضای گروهک تروریستی منافقین در شکنجه اسرای ایرانی حضور داشتند؟

بله، در شکنجه اسرای ایرانی اعضای گروهک تروریستی منافقین حضور داشتند اما در شکنجه‌هایی که بر روی من انجام می‌شد با آنها روبرو نشدم و به گفته برخی دیگر از دوستان این افراد از شکنجه هم‌وطنان خود به شدت لذت می‌بردند و احساس رضایت و خوشحالی می‌کردند.

* نظر شما در خصوص انتقال اعضای گروهک تروریستی منافقین به دیگر کشورها چیست؟

به نظر من همین که این جمعیت محبوس و بی‌ارتباط با همه جا به فضای بیرون راه یافتند و توانستند آنچه که در این چند سال خفقان در اردوگاه اشرف به آنها تحمیل و تحمیق شده بود را به جهانیان نشان دهند سند دیگری برای رسوایی سرکردگان گروهک تروریستی منافقین است.

اعتراف جدا شده‌ها از مسائل مشمئزکننده گرفته تا شکنجه‌های قرون وسطایی سرکردگان این گروهک تروریستی نسبت به اعضا، هرکشوری را از پذیرفتن این گروهک تروریستی می‌ترساند.

همچنین در فضای کشورهای دیگر، امکان کنترل و تحت تعقیب و شکنجه قرار دادن اعضا کمتر و پرهزینه‌تر خواهد بود، گرچه سرکردگان این گروهک تروریستی در این‌گونه موارد راه‌های دیگری نیز به کار می‌گیرند ولی زمان از هم گسیختگی گروهک تروریستی منافقین فرا رسیده است.

* شما به عنوان فردی که تاکنون در نشست‌های بین‌المللی بسیاری علیه منافقین شرکت کرده‌اید، نظرتان راجع به پیگیری پرونده جنایت منافقین چیست؟ آیا مجامع بین‌المللی اقدام لازم و کافی را انجام داده‌اند؟

به نظر من اینکه این گروهک تروریستی توانسته در محافل بین‌المللی با خودفروشی و وطن‌فروشی برای خود حامیانی دست و پا کند بخشی به کم‌تحریکی ما در این زمینه بر می‌گردد که اگر با قدرت به این عرصه وارد شویم هم‌چنان که در تعدادی از کشورها به مناسبت‌های مختلف شرکت داشتیم و حقیقتاً تمام نقشه‌های شوم آنها را نقش بر آب کردیم که این سرخوردگی از فحاشی‌ها و ناسزاگویی‌های آنها علیه جمهوری اسلامی ایران مشهود بود، می‌توانیم آنها را برای همیشه رسوای عالم کنیم.

برخی مجامع بین‌المللی با توجه به اینکه وابسته به کشورهای استعمارگری چون آمریکا و انگلیس هستند نظر واقعی خود را پیرامون این گروهک تروریستی مطرح نمی‌کنند بنابراین اقدام قابل قبولی در این زمینه از خود نشان نمی‌دهند.

* نظر شما در خصوص محاکمه سرکردگان گروهک تروریستی منافقین در ایران چیست؟

اگر به همان طریقی که کشور عراق اقدام و تعدادی از سرکردگان این گروهک تروریستی را به مجامع قضایی احضار کرده و با اینترپل هم برای دستگیری آنها در ارتباط است، سایر گروه‌ها و NGO ها هم در ایران اقدام کنند مسلماً تاثیر بسزایی در سرنگونی کامل این گروهک تروریستی و سرکردگان آنها خواهد داشت.

* با توجه به اینکه خانواده شهدای ترور حقوق خود و شهدا را از طریق NGO ها پیگیری می‌کنند آیا تا کنون در خصوص شهدای هسته‌ای نیز این کار انجام شده است؟

یکی از راه‌های مناسب و بستر صحیح این است که از طریق NGO ها که وابسته به محافل بین‌المللی نیستند اقدام شود، اکنون که در ایران بیش از 17 هزار خانواده قربانی ترور وجود دارد و بیش از 12 هزار نفر از آنها مربوط به جنایات گروهک

تروریستی منافقین است منبع بسیار غنی جهت پیگیری این‌گونه جنایات محرز، وجود دارد.

ضمن اینکه نحوه ترور شهدای هسته‌ای نشانگر حضور بی‌چون و چرای گروهک تروریستی منافقین و سرویس‌های جاسوسی موساد و CIA است بنابراین باید عوامل آنها که همیشه وسیله اجرای نقشه‌های شوم دشمنان این مرز و بوم بوده شناخته و مجازات شوند.

اکنون این سوال مطرح است، افرادی که جز چهره‌های علمی بودند و در مسیر پیشرفت کشور و جهان گام بر می‌داشتند به چه جرمی ترور شدند و چه سکوت معناداری از محافل بین‌المللی در مقابل این جنایات استشمام می‌شود، محافلی که به بهانه مجازات مجرمی فریاد حقوق بشر سر می‌دهند اما در برابر این‌گونه جنایات خفه می‌شوند و حاضر به محکوم کردن این جنایات نیستند.

*پیام شما به جهانیان در خصوص ترور چهره‌های علمی کشورمان چیست؟

پیام انسان‌های آزاده به جهانیان این است که اگر دیر بجنبید و این جنایات محکوم نشود قطعا در آینده پشیمان خواهیم شد چرا که در هر گوشه‌ای از عالم شاهد این‌گونه فجایع خواهیم بود و لازمه ختم و یا به حداقل رساندن این جنایات عزم جزم جهانی و عمومی بوده چراکه اگر حامیان تروریسم دست از حمایت این حیوان‌صفت‌ها بردارند و هیچ جایی امنی برای جنایتکاران باقی نماند مسلما در طی زمان دفن خواهند شد، به امید روزی با جهانی عاری از ترور و تروریسم.

انتهاي پیام/

<http://bpsb.ir/node/7765>